



Metaphysics

University of Isfahan E-ISSN: 2476-3276
Vol. 15, Issue 1, No. 35, Spring and Summer 2023

(Research Paper)

From the semantic therapy approach to Farabi's blissful thought

Farangis Baraz

PhD in Comparative Philosophy, Department of Philosophy and Theology, Qom University, Iran
f_baraz@yaoo.com

Nafise Sate

Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Qom University, Qom, Iran
nafise.sate@yahoo.com

Hossein Falsafi*

Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Islamic Azad University,
Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran
hosseinfalsafi@yahoo.com

Abstract

Meaning therapy is a method that helps a person find meaning in his life behind difficulties and problems and answer to his fundamental questions. The main hypothesis of this paper is that the principles of semantic therapy can be found in Farabi's philosophical and political theories that are compatible with the views of Victor Frankl, the founder of the semantic therapy school, and these principles can be explained based his thought. Examining Farabi's system of thought in a descriptive, comparative, and inferential way, we find that he is not only a philosopher and political thinker but also a doctor who, by identifying the suffering of the people of his time, tries to cure the disease of his society by teaching philosophical and political principles to provide meaning. His method of meaning therapy to achieve a meaningful pattern of life, i.e. understanding happiness can be found in 1. doing valuable work, 2. creating empirical values 3. Value of high experiences, and its components: recognizing individual responsibility, creating moral virtues, forming a community, and Lovemaking, mentioned.

Keywords: Farabi, Victor Frankl, semantics, politics, happiness.

* Corresponding Author

2476-3276 © University of Isfahan



This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



: [10.22108/MPH.2023.132416.1383](https://doi.org/10.22108/MPH.2023.132416.1383)



: [20.1001.1.20088086.1402.15.35.3.9](https://doi.org/20.1001.1.20088086.1402.15.35.3.9)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دوفصلنامه علمی متافیزیک

سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۵۳-۳۹
تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

(مقاله پژوهشی)

از رویکرد معنادرمانی تا اندیشه سعادته گرای فارابی

فرنگیس براز: دکتری فلسفه تطبیقی، گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم، قم، ایران

f_baraz@yaoo.com

نفیسه ساطع: استادیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم، قم، ایران

nafise.sate@yahoo.com

حسین فلسفی*: استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

hosseinfalsafi@yahoo.com

چکیده

معنادرمانی، مکتبی که ویکتور فرانکل بنیان نهاد، می‌کوشد به فرد بیاموزد معنای زندگی خویش را دریابد و از رخوت و خلأ وجودی بیرون آید و در پس سختی‌ها و مشکلات زندگی، معنایی برای زندگی خود بیابد. در این پژوهش سعی شده با رویکردی به اصول و مبانی معنادرمانی فرانکل، برخی اصول و مبانی در مفهوم سعادته گرای تبیین و تحلیل شود که وی نه تنها فیلسوف و اندیشمندی سیاسی، بلکه پزشکی است روانشناس که درمان درد و رنج مردمان جامعه‌اش را تحقق سعادته از طریق تعلیم، تأدیبه، آموزش سیاست و فلسفه می‌داند. در فلسفه فارابی، خیر یا سعادته غایتی است که هر انسانی بدان تشویق و برانگیخته می‌شود. فهم مبانی معنادرمانی در اندیشه وی در تطبیق با اندیشه فرانکل، در بخش تعلیم علم مدنی با ۱. انجام کار ارزشمند، ۲. ایجاد ارزش‌های تجربی، ۳. ارزش تجربیات والا صورت می‌گیرد و مقومات آن با «شناساندن مسئولیت فردی»، «ایجاد فضایل اخلاقی»، «تشکیل اجتماع»، «عشق‌ورزی» می‌تواند قابل تبیین باشد؛ زیرا از این وجه دست‌یابی به معنای زندگی با کسب سعادته ارتباط دارد و سعادته امری جدا از زندگی مدنی نیست؛ پس مشارکت در امور مدنی و کسب فضایل اخلاقی از اصول و مبانی اصلی روش معنادرمانی در فلسفه فارابی است.

واژگان کلیدی: فارابی، ویکتور فرانکل، معنادرمانی، سیاست، سعادته.

* نویسنده مسئول



2476-3276 © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



10.22108/MPH.2023.132416.1383



:20.1001.1.20088086.1402.15.35.3.9

مقدمه

انسان در طی تاریخ تا به امروز، سختی‌ها و مشقات بسیاری از جمله مرگ و میر، بیماری، فقر، جنگ، شورش، قتل عام، اسارت، گرسنگی، سیل و زلزله و رنج و سختی‌های بسیاری را تحمل کرده است و همچنان نیز با بحران‌های جسمی و روحی مختلفی مواجه است؛ چنان‌که خداوند در این زمینه می‌فرماید: «ما انسان را در سختی و رنج خلق کردیم» (بلد، ۴). انسان امروز، هرچند با کمک پیشرفت علم و فناوری روزبه‌روز، از نظر جسمانی رفاه بیشتری کسب می‌کند، از نظر روحی و عاطفی، دچار مشکلات بسیاری از جمله خودکشی، افسردگی، اعتیاد و گوشه‌گیری است که شیوه‌ها و علوم گوناگونی از جمله روان‌شناسی و روان‌پزشکی برای درمان بیماری‌های روانی ایجاد شده است؛ اما یکی از شیوه‌های ساده‌ درمانی برای انسان امروزی که شیوه‌ای فلسفی است، روشی به نام معنادرمانی است که به افراد کمک می‌کند به دنبال معنایی برای پذیرش درد و رنج زندگی و پاسخی برای زندگی باشند. فرانکل بر این باور است که وظیفه اصلی انسان یافتن معنا برای زندگی است؛ زیرا زندگی حتی در بدترین شرایط دارای معناست و رسالت زندگی در یافتن این معنی است. مکتب معنادرمانی معتقد است که پرسش درباره معنای زندگی را باید به خود او برگرداند. در جست‌وجوی معنا بودن یعنی فرد نباید پرسد که معنای زندگی او چیست؛ بلکه باید بداند که خود او در برابر این پرسش قرار گرفته است و خود فرد پاسخ‌گوی زندگی خویش است و هم اوست و تنها او می‌تواند به پرسش زندگی پاسخ دهد (فرانکل، ۱۳۷۱: ب: ۱۱۳).

فارابی نیز در جایگاه اندیشمندی فلسفی در عصر خویش در پی ایجاد سامان سیاسی برای همگان و

کسب سعادت و ایجاد معنایی برای زندگی بود و تنها راه رسیدن به سعادت را فلسفه و به‌خصوص سیاست می‌دانست. سؤال اصلی تبیین رابطه میان راه‌حل برون‌رفت از بحران سیاسی جامعه در اندیشه فارابی و معنادرمانی است؛ به‌گونه‌ای که با تحلیل رابطه سعادت و معنادرمانی، بتوان ارکان و ویژگی‌های معناداری از دیدگاه او را مشخص کرد. فرضیه این پژوهش این است که به‌شیوه‌ای تحلیلی-توصیفی و به‌روش کتابخانه‌ای، بتوان از مبانی و اندیشه‌های فلسفی-سیاسی فارابی، مقومات معنادرمانی را استخراج کرد؛ زیرا اصول اندیشه سیاسی فارابی، مسئول بودن انسان، تعلیم و تأدیب سیاسی فرد، قدرت تصمیم‌گیری، شناخت سختی و رنج و تحمل آن در جهت رسیدن به سعادت است که قابل تطبیق بر اصول معنادرمانی است.

زمینه بحث معنادرمانی در اندیشه فارابی را می‌توان بر تشکیل اجتماع بنیاد نهاد که مهم‌ترین عامل برآورده شدن نیازهای اولیه ماست؛ زیرا با شکل‌گیری دولت و حکومت، جامعه از امنیت و اقتدار خاصی برخوردار خواهد شد و افراد مدینه می‌توانند راحت در کنار یکدیگر زندگی کنند و مفهوم سعادت و معنای زندگی را درک کنند. پس محور اصلی مقاله تبیین و تحلیل وجود رابطه میان راه‌حل برون‌رفت از بحران سیاسی جامعه به‌شیوه آموزش و تعلیم علم سیاست با تبیین مفهوم معنادرمانی در شیوه سعادت‌گرای فارابی است و شرط کامیابی در تحلیل این مسئله پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. معنادرمانی چیست؟

۲. مبانی و اصول معنادرمانی از نظر فرانکل کدام

است؟

۳. آیا می‌توان این اصول و مبانی را با اندیشه

سعادت‌گرای فارابی بررسی کرد؟

که معناجویی تلاشی در یافتن معنایی در زندگی خود، نیرویی اصیل و بنیادی است و نه توجیهی ثانویه از کشش‌های غریزی او. این معنی منحصر به فرد و ویژهٔ خود اوست و از این رو، این اوست و و تنها اوست که باید و قادر است به این تحقق بخشد (فرانکل، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۹۹). از این رو، معنادرمانی، نظامی فلسفی-روان‌شناختی است که به فرد کمک می‌کند در مواجهه با رنج، فقدان، ناامیدی، سوگ و ناگواری‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی، بر از دست‌رفته‌ها تمرکز نکند و معنایی در پس این رنج‌ها بیابد. این مکتب در این جهت گام بر می‌دارد که چنان زندگی کن که گویی بار دومی است که به دنیا آمده‌ای و اینک در حال انجام خطاهایی هستی که در زندگی نخست مرتکب شده بودی (فرانکل، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۱۱۴). فرانکل تفاوت انسان را با سایر موجودات در پرسش از هستی خود می‌داند. او بر این باور است که حیوان هرگز پرسش از معنا ندارد و انسانی هم که پرسشی از معنا نداشته باشد، فقط در محدودهٔ زیست‌شناختی خود گام بر می‌دارد (پوریزدی، ۱۳۸۵: ۱۸۴)؛ زیرا احساس نیاز به معنا، انسانی‌ترین انگیزش و حقیقتی انکارناپذیر در زندگی انسان است و نمی‌توان بدون اعتقاد به آن، زندگی را به سلامت ادامه داد (فرانکل، ۱۳۸۶: ۱۴۶)؛ از این رو، در رویکرد «معنادرمانی» انسان را موجودی معنوی، منحصر به فرد، با قابلیت تغییر و شدن معرفی می‌کند. اگر معنویت نهفته در وجود او موضوع شناخت و ارزیابی قرار گیرد، آنگاه از او موجودی یگانه و منحصر به فرد و مسئولیت‌پذیری می‌سازد که برای رشد و تعالی خود به عمل آگاهانه و ارادی دست می‌زند (دی‌آنجلیس، ۲۰۱۸ و فرانکل، ۲۰۱۱)؛ زیرا فرانکل بر این باور بود که محور اصلی شخصیت انسان، روح اوست که عناصر اصلی این ساحت روحانی، یعنی آزادی، معنویت و مسئولیت،

۴. در کدام مفاهیم فکری وی، معنای سعادت با معنای معنادرمانی قابل تطبیق است؟
ادعای این پژوهش این است که میان کسب سعادت و معنادرمانی در فلسفهٔ سیاسی فارابی رابطهٔ معناداری وجود دارد؛ به این صورت که در فلسفه و علم سیاست فارابی، اصیل‌ترین هدف زندگی، کسب سعادت است و انسان با کسب سعادت به معنایی از زندگی دست می‌یابد و به زندگی خود معنا می‌دهد. کسب سعادت حاصل کسب اصول اندیشهٔ سیاسی، ایجاد انگیزهٔ مسئول‌بودن، تعلیم و تأدیپ سیاسی فرد، قدرت تصمیم‌گیری او، شناخت سختی و رنج و تحمل آنها است. فارابی به صورت مستقیم از معنادرمانی و کشف معنای زندگی سخن نگفته؛ اما می‌توان با تفسیر اندیشهٔ او به این معنا دست یافت. البته باید اشاره داشت که فرانکل کسب معنای زندگی را هدف قرار داده است؛ ولی فارابی بر کسب سعادت تأکید دارد؛ اما می‌توان گفت مقصود هر دو فیلسوف، کشف و ارائهٔ معنایی برای زندگی است.

معنادرمانی

خاستگاه لغوی معنادرمانی یا لوگوتراپی به واژهٔ یونانی «لوگوس» باز می‌گردد. لوگوس به معنای واژه یا کلمه است و رساترین معادل آن «معنا» است. در مفهومی گسترده‌تر می‌توان آن را به چیزی که می‌تواند دلیلی برای بودن باشد، تعبیر کرد. بر این اساس و بنا به گفتهٔ ویکتور فرانکل، معنادرمانی عبارت است از: «درمان از رهگذر معنا یا شفا» یا «روان‌درمانی متمرکز بر معنا» (فرانکل، ۱۳۸۱: ۱۲). لوگوتراپی، اساسی‌ترین نیروی محرک فرد در دوران زندگی را تلاش فرد برای یافتن معنی در زندگی می‌داند که به وسیلهٔ پاره‌ای از نویسندگان مکتب سوم «روان‌درمانی دین» نیز خوانده می‌شود که بر معنی هستی انسان و جست‌وجوی او برای رسیدن به این معنی تأکید دارد

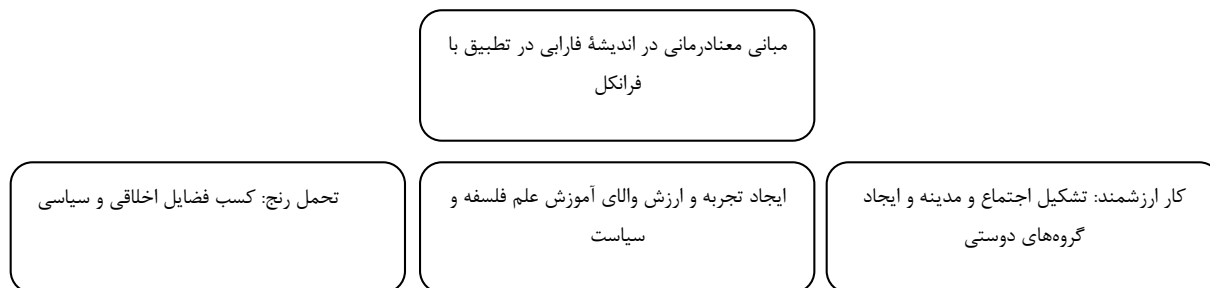
راهنمای انسان برای داشتن حیاتی سعادت‌مندانه و سالم هستند. او در بیان نیازهای روحانی، از شش نیاز اصیل و بنیادی انسان در کسب معنا نام می‌برد: پویایی اندیشه، معناجویی، تعالی خویشتن، ابدیت، دین و گروه دوستی عاطفی و معیار‌نهایی رشد و پرورش شخصیت سالم را اراده معطوف به معنای زندگی و نیاز مداوم انسان به جست‌وجوی معنا می‌داند؛ جست‌وجوی معنایی که به زندگی او منظوری ببخشد (بافرانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۲-۵).

مبانی معنادرمانی در اندیشه فارابی

فارابی با نگارش کتاب *سیاست مدینه فاضله*، تحصیل *السعادة و فصول المنتزعه* به دنبال هدفی بود. او با تبیین ارکان مدینه فاضله و شرایط رئیس و نائب رئیس و سایر حاکمان مدینه و با ذکر وظایف آنها و وظایف مردم سعی در بیان غایتی و رسیدن به سعادت در پرتو ایجاد اجتماع، تعاون، محبت و عدالت دارد. در پژوهش حاضر، مصداق سعادت معنای زندگی فرض شده است و اثبات خواهد شد که سعادت یگانه معنای زندگی است و تمام معناها در معنای سعادت، معنا می‌یابند؛ اما تفاوت دیدگاهی فارابی با فرانکل در این است. در حالی که فرانکل معتقد است زندگی معنای گوناگونی دارد و هر کس با توجه به فهم خویش می‌تواند به یکی از معانی دست یابد، در دیدگاه فارابی سعادت تنها معنای زندگی است و راه رسیدن به آن تعاون در جامعه و رعایت دستورات رئیس مدینه فاضله و امور اخلاقی است.

باید اشاره کرد که فارابی به‌طور مستقیم و صریح به موضوعی با عنوان معنادرمانی، معنابخشی و معنای زندگی پرداخته است؛ اما به‌قول اسپرینگز می‌توان فلسفه سیاسی او را با پردازش جدید و با نگاهی دیگر و با توجه به زمان بازخوانی کرد. اسپرینگز معتقد است بسیاری از اندیشه‌های سیاسی همواره در پی شناخت

علل ایجاد شرایط و هم‌درمانگر مشکلات جامعه بوده است (اسپرینگز، ۱۳۶۵: ۲۹)؛ زیرا فلسفه وجودی مدینه فاضله فارابی و هدف غایی ریاست در مدینه، تسهیل راه‌های تحصیل سعادت انسان‌ها است؛ از این‌رو، درک جامع از فلسفه مدنی فارابی، وابسته به شناخت مفهوم سعادت در نظام فکری او و در پیوند با نظریه معرفت است. اداره غایی مدینه به دست خدایی است که عقل فعال را فرشته نگهبان مدینه و واسطه انتقال فیض او به قوای ناطقه و متخیله رئیس از طریق او، به جمیع اهالی مدینه قرار داده است. سعادت، پاداش کار نیک و ترک کار زشت نیست؛ بلکه نتیجه آن است. به عبارت دیگر، سعادت معلول فضیلت و از سنخ آن است (فارابی، ۱۹۹۶: ۸۲). سعادت حقی همگانی و امری دست‌یافتنی است؛ چون همه انسان‌ها آزاد و دارای اراده و اختیارند، پس در دستیابی به سعادت نیز برابرنند. پس ایجاد سعادت در فلسفه فارابی، شیوه‌ای معنادرمانی به‌شیوه آموزش فلسفی و سیاسی است. او با بیان و تأکید بر رسیدن به سعادت ثابت می‌کند که انسان، ارزش و توانایی تحمل رنج‌هایش را دارد و با این کار شایستگی پیدا می‌کند که در مقابل سرنوشت زانو نزند و آن را به سمت‌وسوی درستی هدایت کند. انجام و تجربه این مجموعه از مبانی در فلسفه فارابی ما را به مفهوم سعادت یا همان هدف می‌رساند. یعنی سعادت امری است که از طریق سیاست (انجام امور عملی) به دست می‌آید. دریافت مبانی معنادرمانی در اندیشه فارابی را می‌توان با تطبیق و بررسی ۱. هدف فارابی از فلسفه سیاسی فارابی، تشکیل مدینه، آموزش سیاسی (انجام کار ارزشمند)، ۲. همگانی کردن علم سیاست مدنی و تأسیس مدینه فاضله (کسب تجربه، ارزش‌والا)، ۳. درمان جامعه بحران‌زده از طریق علم سیاست (رسیدن به معنی درد از طریق رنج‌کشیدن، مثل کسب فضایل) با توجه به شکل زیر بیشتر شرح داد.



شکل ۱: مبانی معنادرمانی در اندیشه فارابی

سعادت است که می‌تواند به معنایی از زندگی منجر شود.

در جدول زیر مهم‌ترین و اصیل‌ترین «نیازهای روحی» از دیدگاه او را در تطبیق با فرانکل، ذکر کرد که می‌توان گفت تقریباً در نظریه فکری با اندیشه فرانکل قابل تطبیق است و موجب ایجاد معنا و معنادرمانی می‌شود. این اصول عبارت‌اند از:

پس از این‌نظر، اصل فلسفه وجودی فارابی کسب سعادت است. کسب سعادت از اهداف اصلی زندگی هر فردی در اجتماع است؛ پس سعادت اصلی‌ترین هدف زندگی است. از سوی دیگر، اگر هدف زندگی، معنابخشی به زندگی باشد، سعادت یگانه‌ترین معنای زندگی در فلسفه فارابی است. پس می‌توان گفت یکی از اصلی‌ترین نیازهای روحی انسان فهم و کسب

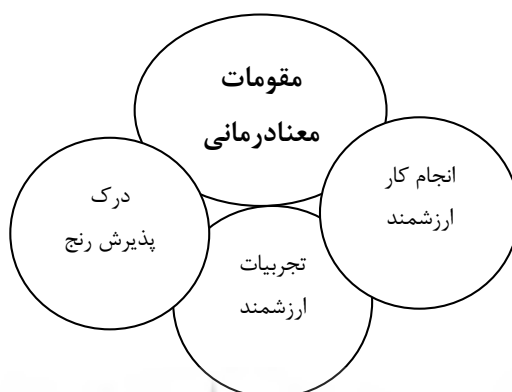
اصیل‌ترین نیازهای روحی انسان از نظر ویکتور فرانکل	اصل فلسفه وجودی فارابی: رسیدن به سعادت
نیاز به معنا (من چه کسی هستم؟ به چه دلیل اینجا هستم؟ چرا به وجود آمده‌ام؟ در زندگی چه هدفی را باید پیگیری کنم؟ چه چیزی به زندگی من ارزش و معنا می‌دهد؟)	نیاز به سعادت اهداف آفرینش، انسان‌شناسی و شناخت نیازهای آن
نیاز به تنش (پویایی اندیشه): در پی جست‌وجوی وظایفی است که به‌انجام‌رساندن آنها ممکن است معنایی را به وجود او بیفزاید)	نیاز به کسب هویت از طریق مشارکت در امور جامعه و مسئولیت‌پذیری
نیاز به تعالی خویشتن، تحقق خود و شدن است	نیاز به تعلیم و تربیت
نیاز به جاودانگی و ابدیت	کسب آموزش امور اخلاقی و کسب سعادت دنیوی و ابدی
نیاز به دین	نیاز به دین و درک جاودانگی و ابدیت
عشق‌ورزی	عشق‌ورزی
نیاز به گروه دوستی	نیاز به گروه دوستی و عشق‌ورزی

جدول ۱: تطبیق اصیل‌ترین نیازها از دیدگاه ویکتور فرانکل و ابونصر فارابی برای کسب معنا (ن.ک. فرانکل: ۱۳۸۶: ۱۲۸-۷۸)

مقومات معنادرمانی در اندیشه فارابی

در اینجا ابتدا مقومات معنادرمانی در اندیشه فلسفی-سیاسی فارابی بیان می‌شود. سپس شرحی از مفهوم سعادت و ارتباط با معنادرمانی در اندیشه

فارابی ارائه خواهد شد. مقومات معنادرمانی که قابل تطبیق با معنادرمانی فرانکل در فلسفه سیاسی فارابی عبارت‌اند از: ۱. انجام کار ارزشمند؛ ۲. درک ارزش روحی؛ ۳. با درک ارزش رنج.



شکل ۲: مقومات معنادرمانی

۱. انجام کار ارزشمند

تشکیل اجتماع و مدینه

فارابی نیز همچون ارسطو، انسان را موجودی مدنی بالطبع دانسته و معتقد است انسان «طبیعتاً به انسان‌های دیگر وابسته است». «انسان مفضول به زندگی و زیست اجتماعی است». تشکیل اجتماع اولین کار ارزشمند انسان برای رهایی از رنج تنهایی است. پس انسان نه فقط به سبب نیاز رفع نیازمندی‌ها و برای ادامه حیات، اقدام به تشکیل اجتماع می‌کند؛ بلکه موجب تسلط و چیرگی او بر مشکلات و مشقات زندگی و ایجاد توانایی در او برای رسیدن به کمال و سعادت می‌شود» (فارابی، ۱۳۷۹: ۳۷) «و هریک از آدمیان بر سرشت و طبیعتی آفریده شده‌اند که هم در قوام وجودی خود و هم در نیل و وصول به برترین کمالات ممکن خود، محتاج به اموری بسیارند که هریک به تنهایی نتوانند متکفل انجام همه آن امور باشند و بلکه در انجام آن احتیاج به گروهی

بود» (فارابی، ۱۹۹۵: ۲۵۲). پس تشکیل اجتماع اولین راه برای درمان تنهایی افراد و ایجاد وحدت و ارتباط میان افراد برای رفع حوائج زندگی از جمله رفع نیازهای اولیه و ثانویه است. وی این تقسیم‌بندی را بر مبنای رفع حوائج استوار ساخته و در تقسیم‌بندی دیگری، مبنای تقسیمات خود را امکان رسیدن به سعادت قرار داده است (فارابی، ۱۳۷۹: ۲۵۹-۲۵۱).

در نظر فارابی، اجتماع اولین مکانی است که فرد از نظر روحی و جسمی در آن به آرامش می‌رسد و نیازهای اولیه و همچنین نیازهای ثانویه‌اش برآورده می‌شود و به دنبال تعالی خویشتن می‌گردد؛ زیرا با ایجاد جامعه، ارزش‌های اخلاقی همچون صلح، آرامش، زیبایی، عدالت، حکمت، حسن نیت و برادری ظهور خواهد کرد. پس از نظر فارابی، «مدینه‌ای که ساکنانش با تعاون و یاری یکدیگر آهنگ کارهایی می‌کنند تا به سعادت حقیقی نائل گردند، آن مدینه فاضله است» (فارابی، ۱۳۷۹: ۹۷).

این ارتباط هرگز از تفرد و آزادی انسانی خود چشم‌پوشیده و به اسارت قید و بندهای ناشی از اجتماع در نمی‌آید؛ اما با یافتن معنای ویژهٔ زندگی خود در اجتماع ارزشمند شده و همین ارزشمندی ویژه، او را در جامعه یگانه و ممتاز می‌سازد (فرانکل، ۱۳۷۱ الف: ۱۴۸).

یکی از این راه‌های کشف معنای زندگی «کار» است که از طریق آن «ارزش‌های خلاق» نمایان می‌شود. «خلاقیت» که به‌نظر فرانکل در ناهشیاری آدمی ریشه دارد (فرانکل، ۱۳۷۱ ب: ۳۵)، به معنای افزودن چیزی به دنیا از طریق استفاده از استعدادها و ابراز خویشتن است (محمد پوریزدی، ۱۳۸۵: ۱۶۲). انسان می‌تواند با خلق یک اثر، تولید اندیشه یا خدمت به دیگران که لازمهٔ ایثار و عرضهٔ جهان است، به زندگی خود (و زندگی دیگران) معنا بخشد (شولتز، ۱۳۸۶: ۱۶۱). بهترین راه تحقق ارزش‌های خلاق، کار است که فرد از این طریق، رابطهٔ یگانه و منحصربه‌فرد خود را با جامعه پیدا کرده، با ادای سهم خود به جامعه، احساس رضایتمندی را تجربه می‌کند. فرانکل انسان را نه محصول تورات و نه محصول محیط، بلکه نتیجهٔ منطقی تصمیم‌گیری‌های خویشتن می‌داند (فرانکل، ۱۳۷۱ الف: ۱۴۶).

۲. ایجاد ارزش‌های تجربی

یکی دیگر از ابعاد معنادرمانی، ایجاد ارزش‌های تجربی مانند احساس مسئولیت، احساس عزت‌نفس، عشق‌ورزی و محبت است که می‌توان این بنیان‌ها را بعد معنادرمانی در اندیشهٔ فرانکل دانست و این معنای قابل‌استنباط از سیاست فارابی است؛ چون در مدینهٔ فاضلهٔ فارابی، مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول سعادت آدمی است (فارابی، ۱۳۷۹: ۱۰۳). پس عالی‌ترین

پس نخست اینکه اجتماع انسانی وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت است. در واقع، براساس نظر فارابی، مدینهٔ فاضله راه استواری است برای اینکه تک‌تک افراد، با پیمودن آن، به سعادت حقیقی نائل گردند و تنها راه ممکن و شرط لازم برای تحصیل کمال و سعادت، مدینهٔ فاضله است. دوم اینکه در این مدینه، همهٔ افراد هم‌رأی و همکار که خواهان رسیدن به سعادت خود و سعادت دیگران‌اند، اجتماع را تشکیل داده‌اند. به عبارت دیگر، قصد همگانی شرط حصول سعادت است. در مدینهٔ فاضله، نه تنها حاکمان، بلکه حکومت‌شوندگان نیز سعادت‌مند و خیرخواهان هستند. سوم اینکه تعاون و یاری یکدیگر شرط حصول سعادت است، نه رأی، نظر و موافقت در دل و نیت. به عبارت دیگر، احساس مسئولیت جمعی و عملی ساکنان، شرط لازم برای نیل به سعادت و کمال است. چهارم اینکه سرنوشت اهالی ساکن مدینهٔ فاضله، به هم گره خورده است. در شهر آرمانی او ممکن نیست یکی سعید و دیگری شقی باشد. یا همه اهل سعادت‌اند و یا همه در شقاوت اسیرند (فارابی، ۱۹۹۳: ۷۰؛ همو، ۱۹۹۶: ۱۵۰-۱۴۶).

این دیدگاه فارابی از نظریهٔ فرانکل استنباط می‌شود که می‌گوید به‌رغم منحصربودن هر فرد، انسان موجودی است مشابه دیگران و هنر او در حفظ تفرد خویشتن، با وجود زیستن در میان انسان‌های مشابه خود است. نیاز انسان به جامعه در راستای نیازی اساسی‌تر، یعنی معناجویی و تحقق خویشتن قابل‌فهم است. او همواره متوجه شخص یا چیز دیگری غیر از خود است. لازمهٔ این ویژگی فرارفتن از خود و پیوستن به جامعه است. او می‌تواند در ارتباط با شخص یا اشخاصی غیر از خود، معنایی بسیار عمیق برای زندگی خود بیابد و ویژگی مسئولیت‌پذیری خود را غنا بخشد؛ ضمن اینکه در

حقیقت و جنبه منفی آن است و جنبه مثبت آن، عبارت است از «مسئولیت» (فرانکل، ۱۳۸۶: ۲۱۲)؛ زیرا آنجا که انسان آزادی انتخاب دارد، درقبال انتخاب‌هایی که می‌کند و رفتارهایی که انجام می‌دهد، مسئول است. «مسئول بودن»، حس اجبار و تکلیف را به همراه دارد؛ از این رو، هر انسانی وظیفه و رسالتی ویژه در زندگی دارد که باید آن را تحقق بخشد و در انجام این وظیفه و رسالت، جانشینی ندارد (فرانکل، ۱۳۷۲: ۱۲۴).

تلاش فارابی در فلسفه سیاسی نیز همین است که فرد را از وظیفه و مسئولیت‌پذیری خود و فرمان‌بری آگاه کند؛ ولی باید او را در هر مورد مسئول و آزاد قرار داد. فضل و سعادت یعنی کشف معنای جمعی که نتیجه کوشش همه افراد جامعه و قبول مسئولیت در برابر یکدیگر و پاسخ‌گوبودن نسبت به هم برای زندگی در حال و در آینده است. فارابی رئیس مدینه فاضله را مسئول جامعه آرمانی می‌داند که نیاز به راهنمایی و پیشوایی انسان دیگری ندارد؛ بلکه همه دانش‌ها و شناخت‌ها را دریافته و همه علوم برای او به فضیلت درآمده باشد. بدین سان توانایی ادراک افعال نیکویی را که شایسته انجام است نیز داراست و می‌تواند هرکس را به اندازه شایستگی‌اش به سوی خوبی ارشاد و راهنمایی کند (فارابی، ۱۳۷۱: ۲۰۲)؛ اما افراد جامعه با انتخاب راه و شیوه زندگی و فرمان‌برداری از رئیس مدینه فاضله و فرمان‌برداری از وی، شیوه زندگی و راه رسیدن به سعادت را راحت‌تر کسب خواهند کرد (همان: ۲۰۳). پس این نظر بیانگر این نکته از دیدگاه معنادرمانی است که «زندگی ما نتیجه انتخاب‌هایی است که در گذشته کرده‌ایم و آینده هم با تصمیماتی شکل می‌گیرد که امروز گرفته‌ایم» (فرانکل، ۱۳۹۲: ۲۱). در مکتب سعادت‌گرای فارابی، برای کسب سعادت باید بتوانیم بر زندگی خود مسلط باشیم و لازمه این مهم این است که درقبال رفتار و زندگی خود و

اجتماع، جامعه‌ای است که اعضای آن برای رسیدن به سعادت، همکاری داشته باشند و یکدیگر را در جهت کسب عالی‌ترین فضیلت یاری رسانند. جامعه آرمانی فارابی راهی برای رسیدن به سعادت است و شیوه آموزشی آن به صورت آموزش اخلاقی و تعلیم و تأدیب سیاسی به هدف ایجاد سعادت برای افراد جامعه و نوعی شیوه درمان است که می‌توان گفت همان ارزش‌های تجربی فرانکل است. ارزش‌های تجربی شامل ارزش‌های زیر است:

مسئولیت‌پذیری

از نظر فرانکل، انسان موجودی خودآگاه و مسئول است (فرانکل، ۱۳۸۶: ۸۱). یعنی دارای اختیار است. نقطه درمان نیز آگاهی دادن به فرد از مسئولیتش است. انسان دائماً با موقعیت‌های متفاوتی روبه‌رو است که در هرکدام از این موقعیت‌ها معنایی نهفته است. انسان با انتخاب هریک از موقعیت‌ها، گویی دوباره متولد می‌شود و هر موقعیت از زندگی را فرصتی طلایی و بی‌نظیر می‌بیند که باید با آن دست‌وپنجه نرم کرد و در چالش حاصل از آن موقعیت، معنایی را محقق سازد. پس «هر وضعیت زندگی، ندایی است که نخست باید به آن گوش داد و سپس پاسخ داد» (فرانکل، ۱۳۸۱: ۱۱۹). پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل چه مسئولیتی؟، درقبال چه کسی؟، برای تحقق کدام ارزش‌ها؟ یا برای کدام معنای زندگی؟، مبنای پرسشی شیوه «معنادرمانی» است؛ زیرا وظیفه و مسئولیت امری است که موجب راهنمایی و کمک به افراد به منظور انجام وظایف خود در زندگی براساس آگاهی و شناخت مسئولیت می‌شود. در افعال انسانی آزادی و مسئولیت دو روی یک سکه هستند. آزادی از امتیازات ویژه انسان است؛ اما به عقیده فرانکل، آزادی، آخرین کلام نیست؛ بلکه تنها نیمی از کل

تبدیل می‌شود که در جست‌وجوی معنا و معناجویی بر وجود احاطه می‌یابد (فرانکل، ۱۳۶۶: ۸۳). فرانکل عشق را تنها راه رسیدن به اعماق وجودی انسانی دیگر می‌داند و می‌گوید: «عشق عبارت است از تجربهٔ یار با تمام وحدانیت و تفرد وی» (فرانکل، ۱۳۸۶: ۲۳۵). یعنی در یک رابطهٔ عاشقانه، انسانی با انسان دیگر روبه‌رو می‌شود و انسانیت او را به‌عنوان شخصی منحصر به فرد تصدیق می‌کند. در این رابطهٔ دوطرفه، هر دو به هم کمک می‌کنند که به سمت کمال حرکت کنند.

انسان سالم می‌تواند از طریق این جنبهٔ روحانی، یعنی عشق، نه تنها صفات فعلیت یافتهٔ وجود محبوب، بلکه ارزش‌های نهفته و بالقوهٔ او را نیز درک کند و او را در آگاه‌شدن از استعدادهای خود و تحقق بخشیدن به آنها یاری کند (همو: ۲۵۸). فارابی نیز دوستی و محبت را به‌عنوان عامل پیونددهندهٔ افراد جامعه مطرح می‌کند. برای وی، دوست یا «مؤلف»، امری است که دو یا چند موجود را به هم الفت و پیوند می‌دهد. این امر وقتی در مدینه ایفای نقش کند، شکل دوستی مدنی به خود می‌گیرد. از نظر فارابی، «اجزا و مراتب اجزای مدینه با یکدیگر به‌واسطهٔ دوستی و محبت (عشق به یکدیگر) پیوند برقرار می‌کنند»؛ همچنان که جامعه به‌واسطهٔ افعال عادلانه، مشارکت افراد مدینه در امور مدینه و اتفاق نظر آنها در امور اشتراکی و نائل‌شدن به سعادت، ضرورتاً دوستی اهل مدینه را به دنبال خواهد داشت. وجود افعال اشتراکی و نیاز به زندگی اجتماعی در کسب نیازهای انسانی موجب تشکل مدینه می‌گردد و موجب می‌شود اهل مدینه به هم نفع برسانند (فارابی، ۱۴۰۵: ۷۱-۷۰). وی محبت را ضامن تداوم منافع مشترک و تعاون و همکاری افراد مدینه در کسب سعادت می‌داند. مدینهٔ فاضله مانند بدنی تام‌الاعضا و

دیگران مسئول باشیم. کسی که درقبال خود مسئولیت نشان می‌دهد، از عزت‌نفس برخوردار است. یعنی من مسئول تحقق خواسته‌هایم، انتخاب‌ها، اعمال، میزان آگاهی در کارم و روابطم با دیگران هستم (براندن، ۱۳۸۴: ۱۳۴). این دیدگاه معنادرمانی را می‌توان منطبق با دیدگاه فارابی است که معتقد است مدینهٔ فاضله سرزمینی خودکفاست که گروهی انسان با فطرتی سلیم که همگان مستعد قبول معقولات‌اند و همگی مسئول یکدیگر در تحصیل سعادت هستند (فارابی، ۱۳۴۶: ۴۵). مدینهٔ فاضله، مدینه‌ای است که در آن اجتماع وسیله‌ای است که توسط آنها به سعادت حقیقی نائل می‌گردند؛ پس در آن با هم دیگر تعاون می‌کنند (فارابی، ۱۹۹۶: ۱۱۸). پس در مدینهٔ فاضله، گروهی از انسان‌های بافضیلت و خیرمند و سعادت‌مند، تحت ریاست شخصی که بی‌واسطه از عقل فعال فیض می‌برد و در ارشاد و تعلیم محتاج هیچ انسانی نیست، گرد هم آمده، یکدیگر را برای رسیدن به سعادت حقیقی کمک می‌کنند (کرمانی، ۱۳۷۶: ۱۴۸). در این مدینه، همهٔ افراد هم‌رأی و همکار، خواهان رسیدن به سعادت خود و سعادت دیگران‌اند. قصدشان هم در نظر و رأی و هم در دل و نیت سعادت همدیگر است. آنچه اعضای مدینهٔ فاضله و مراتب آنها را با یکدیگر پیوند می‌دهد، «محبت» است و عدالت و روابط عدالت‌محور، ضامن بقا و عامل حفاظت از مدینه و اعضای آن است (فارابی، ۱۹۹۳: ۷۰؛ همو، ۱۹۹۶م: ۱۵۰-۱۴۶).

عشق‌ورزی

در فلسفهٔ معنادرمانی، انسان بودن اساساً به‌معنی ارتباط داشتن و در جهت چیزی جز خود بودن و عشق‌ورزیدن است و این یعنی «تعالی خویشتن». تعالی بدان معناست که نه تنها فرد به دنبال معنایی برای تحقق بخشیدن است، بلکه به‌معنی عشق‌ورزیدن به انسانی دیگر است. با این فضیلت، انسان به موجودی

تندرست است که همه اعضای آن در راه تمامیت و ادامه زندگی حیوانی و حفظ آن همکاری می‌نمایند (همو، ۱۳۷۱: ۳۰۷).

زیرا بقای مدینه در ارتباط مستقیم همکاری اعضای جامعه است که در میان آنها نوعی عشق‌ورزی و محبت جریان دارد؛ زیرا انسانی که عشق می‌ورزد، ارزشمندترین چیزی را که دارد، یعنی زندگی‌اش را می‌بخشد و این به معنای فداکردن زندگی خود نیست؛ بلکه او از شادی، علاقه، درک، دانش، شوخ‌طبعی و عنصرهای خود و از همه نمودها و تظاهراتی که در وجود اوست، می‌بخشد. او با دادن زندگی خود، دیگری را غنی می‌کند و بر حس زنده‌بودن او می‌افزاید (برانندن، ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۲۰). پس عشق‌ورزی نه به قلمرو کسب و توسعه خصوصیات و نگرش‌های شخصی، بلکه به ضرورتی جدایی‌ناپذیر با قلمرو اجتماعی ارتباط دارد (برانندن، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

۳. ارزش تجربیات ارزشمند

در اندیشه فرانکل، یکی از ویژگی‌های برجسته انسان سالم، خلق ارزش‌های نگرشی در موقعیت‌های رنج‌آور و ملال‌انگیز بر پایه خردمندی و اندیشه‌ورزی است. چگونه رنج کشیدن می‌تواند از خصایص منحصر به فرد انسانی و موجب رشد و تعالی او گردد (فرانکل، ۱۳۸۶: ۲۴۶)؛ زیرا رنج، یک تجربه ارزشمند، یعنی مواجهه با وضعیتی اجتناب‌ناپذیر یا سرنوشتی تغییرناپذیر است (همو: ۱۷۵). رنج، سرنوشتی است که نه می‌توان آن را تغییر داد و نه راه‌گریزی از آن است. رنجی است که سوءتدبیری یا محصول انتخاب‌های شخصی انسان نیست. این رنج با «خودآزاری» یعنی پذیرش رنج غیرضروری (همو: ۱۱۷) متفاوت است. در اندیشه فارابی نیز تجربیات ارزشمند حاصل تعلیم

و تأدیب و کسب فضایل اخلاقی است. آموزش علم مدنی، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در رسیدن افراد مدینه به سعادت و کسب آن را در سایه تربیت اجتماعی، امری ارزشمند محسوب می‌شود. جامعه‌پذیرسازی سیاسی یا تعلیم سیاست، سازوکاری است که از طریق آن افراد جامعه، مطالب و موضوعاتی را راجع به سیاست می‌آموزند و ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، اعتقادات، نمادها و سنت‌ها را کسب می‌کنند که در طی زمانی طولانی و در تمام مدت عمر یک فرد با سختی و رنج کسب می‌شود. فارابی نیز مانند معنادرمانگران معتقد است که می‌توان دستاورد رنج را به موفقیت تبدیل کرد. هدف آموزش‌های سیاسی ایجاد معنایی به نام سعادت است؛ از این رو، تعلیم سیاسی فارابی، تک‌تک افراد جامعه را برای زندگی در اجتماع آماده می‌کند تا به دنبال معنای اصیلی در زندگی یعنی سعادت در زندگی باشند؛ زیرا «انسان با خلق معنا ثابت می‌کند که انسان می‌تواند دردها و رنج‌ها را تحمل کند و در مقابل سرنوشتش بایستد و آن را به سمت وسوی درستی هدایت کند. پس فرد باید ذهن و نگرش‌هایش را نسبت به اتفاقات و دردها تغییر دهد» (همو، ۱۳۹۲: ۲۲).

تنش یا «شدن» در فلسفه فارابی

تنش یعنی «شدن»، یعنی تغییر یعنی «پذیرش تغییر»؛ چیزی که می‌توان در اندیشه فرانکل آن را همان آموزش و یادگیری نامید. آنچه انسان بدان نیاز دارد، تعادل و رهایی از تنش به هر قیمتی نیست. آنچه او لازم دارد، چیزی است که فرانکل «پویایی اندیشه» نامیده است؛ یعنی نیروی محرکه روحانی میان میدانی از «تنش»؛ تنش بین آنچه بدان دست یافته و آنچه باید بدان تحقق بخشد (همو،

گفت که یکی از راه‌های برون‌رفت از نابسامانی و کسب معنای زندگی در اندیشهٔ فارابی، آموزش از راه تعلیم و تربیت است؛ زیرا سعادت فردی شهروندان جدا از سعادت اجتماعی آنان نیست (داوری اردکانی، ۱۳۵۴: ۹۳-۹۲).

در فلسفهٔ فارابی یادگیری مسائل و فضایل اخلاقی نیز با رنج، سختی و ریاضت همراه است؛ زیرا علم اخلاق علمی است که از انواع افعال و رفتار ارادی و از ملکات، اخلاق، سجایا و عاداتی که افعال و رفتار ارادی آن ناشی می‌شود، بحث می‌کند و از هدف‌هایی که این افعال و رفتار برای رسیدن به آنها انجام می‌شود، یاد می‌کند (اکبری، ۱۳۹۰: ۶۸). شهروندان جامعهٔ فارابی در انتخاب و تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی فردی و اجتماعی آزاد هستند؛ اما این آزادی مطلق نیست؛ بلکه نسبی است و این آزادی نباید مغایر با قوانین تعیین‌شده از سوی حاکم مدینه باشد (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۶: ۲۱۶). شیوهٔ فارابی در ایدهٔ تشکیل مدینهٔ فاضله و شیوهٔ آموزش او را می‌توان در تطبیق با معنادرمانی فرانکل آن هم به‌روشنی سیاسی دانست. این است که «هر فردی در جامعه وظیفه‌ای به عهده دارد که به‌خاطر آن آموزش می‌بیند و بایستی رسالت خودش را بر طبق وظیفه نسبت به خود و دیگری به سرانجام برساند تا هم خود را سعادت‌مند کند هم دیگران را» (فرانکل، ۱۳۷۵: ۵۰). اینها اهل مدینهٔ فاضله‌اند و از فطرت انسانی سلیم برخوردارند و معقولات را به‌طور صحیح و واضح درک کرده و به فضیلت عمل کرده‌اند. به‌عبارت دیگر، این گروه در عقل نظری یعنی کسب معقولات و در عقل عملی یعنی عمل کردن به فضایل موفق بوده‌اند و همین‌ها هستند که به سعادت خواهند رسید (فارابی، ۱۳۷۱: ۸۲).

فرانکل منشأ این تنش را تلاش انسان برای پرکردن شکاف بین آنچه هست و آنچه باید باشد معرفی کرده است. وقتی می‌گوییم هر انسانی در جست‌وجوی تنش است، به‌این‌معناست که او در پی جست‌وجوی وظایفی است که به‌انجام‌رساندن آنها ممکن است معنایی را به وجود او بیفزاید (همو، ۱۳۸۱: ۹۴).

این تنش در اندیشهٔ فارابی برای کشف و کسب معنا، «شدن» با تعلیم و تأدیب است که گاه با سختی و رنج همراه است؛ ازاین‌رو، شیوهٔ تعلیم سیاسی فارابی که شیوه‌ای برای کسب سعادت و کاهش رنج افراد مدینه از نابسامانی و ایجاد تعاون و همکاری با یکدیگر است، به‌نوعی با سختی و مشقات خاص خود در درون جامعه همراه است که فرد باید همهٔ آنها را در طول زندگی و به‌ترتیب خاص زمانی پشت سر بگذارد تا از شقاوت به سعادت برسد. این امر مستلزم پروردن چهار خصلت اخلاقی در خویشتن است که شامل این موارد است: ۱. فضیلت نظری؛ ۲. فضیلت فکری؛ ۳. فضیلت خلقی؛ ۴. فضیلت صناعات عملی.

فضایل نظری

از نگاه او فضایل نظری عبارت از آن علوم است که انسان از سایر موجودات از آنجایی که هستی دارند، معرفت حاصل می‌کند. به‌باور فارابی، انسان به پاره‌ای از این علوم بدون آنکه منشأ آن را بداند، از قبل دسترسی داشته است؛ به‌طوری که امروزه از آن به نام علم پیشینی یاد می‌کند که حصول آن نیاز به تعلیم و تربیت ندارد؛ اما دانش پسینی دایرهٔ وسیع زندگی انسان را به خود اختصاص می‌دهد؛ ازاین‌رو، نیازمند تعلیم و تربیت است (فارابی، ۱۳۶۰: ۳). می‌توان

جدول ۲: حاصل نتایج تحلیلی-تطبیقی معنادرمانی در اندیشه ابونصر فارابی با اندیشه ویکتور فرانکل

مقومات معنادرمانی در اندیشه فارابی	مقومات معنادرمانی در اندیشه فرانکل	مقومات معنادرمانی در اندیشه فارابی
۱. انجام کار ارزشمند	۱. انجام کار ارزشمند	تشکیل اجتماع
۲. ایجاد ارزش‌های تجربی	۲. ایجاد ارزش‌های تجربی	درمان جامعه بحران‌زده از طریق تعلیم و تأدیب علم سیاست، جامعه‌پذیری، آگاهی از جایگاه اجتماعی، تعامل با گروه‌های مختلف
		عشق‌ورزی
		مسئولیت‌پذیری
ارزش تجربیات ارزشمند	۳. ارزش تجربیات ارزشمند	ایجاد تنش تعلیم و تربیت
		تعلیم علم سیاست
		اخلاق و تعالی خویشتن
۱. انجام کار ارزشمند	مثل کمک به هم‌نوع، تشکیل گروه‌های دوستی	
۲. ایجاد ارزش‌های تجربی	ارزش‌های گرایش، مثل تحمل درد و رنج. راه رسیدن به نخستین شیوه کار و فعالیت است. مانند برخورد با شگفتی‌های طبیعت، فرهنگ، درک و دریافتن فرد دیگر به وسیله عشق.	
۳. ارزش تجربیات ارزشمند	راه رسیدن به معنی زندگی، رنج است. مثل تعالی خویشتن، آموزش و یادگیری	

سعادت و معنادرمانی

فارابی به پیروی از افلاطون و ارسطو، سعادت را سنگ‌بنای معیار تقسیم‌بندی جوامع قرار داد. از نظر او، سعادت امری ارادی است. او سعادت را «هدف نهایی اهل مدینه و دستاورد ریاست رئیس می‌داند. چنین سعادت با اراده آزاد انسانی برای گزینش زندگی مدنی گره می‌خورد» (فارابی، ۱۳۷۱: ۵۲). وی به‌عنوان فیلسوفی آینده‌نگر و درمانگر، برای ایده‌ها و اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی اهمیت خاصی قائل است و معتقد است سعادت به برنامه‌ریزی نیاز دارد و سعادت حقیقی امری مشکک است و بالاترین مرتبه آن قرب وجودی به خداست و همین امر اخیر مؤید تأثر فارابی از متون دینی است؛ اما در تطبیق اندیشه معنادرمانی فارابی با اندیشه سعادت‌گرای فارابی باید گفت که ویکتور فرانکل به دنبال ایجاد و کشف معنایی برای زندگی بود و معتقد بود در زندگی معنایی نهفته است و هر کسی مطابق با فرهنگ و

تربیتی که داشته، معنای زندگی برای او متفاوت است؛ اما قادر به درک آن است؛ اما معنادرمانی را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که زندگی از نگاه فارابی دارای هدفی است و این هدف خیر و نیکو است. امری که دارای این دو خصوصیت است، «سعادت» است؛ پس سعادت می‌تواند یگانه معنا و غایتی باشد که هر انسانی قادر است به آن برسد. با توجه به نظریات وی در تعریف سعادت، مبانی معنادرمانی در اندیشه را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱. «سعادت غایتی است که هر انسانی در جهت دستیابی بدان تشویق و برانگیخته می‌شود و در جهت فراچنگ آوردن آن جد و جهد بلیغ می‌کند» (همو، ۱۹۹۲: ۲۲۹). از سوی دیگر، یگانه معنا و هدفی است که همه انسان‌ها با کسب و کشف آن برای زندگی مشقت‌بار خود معنایی می‌یابند، می‌تواند سعادت باشد. «سعادت در میان غایات واجد خیر تأثیرگذارترین و باارزش‌ترین خیرات و

نهایی می‌شود؛ از این رو، سعادت سنگ‌بنای معنای زندگی در فلسفهٔ فارابی است.

• سعادت امری لذت‌آفرین است و لذت آن از نوع زودگذر و محسوس نیست؛ بلکه از نوع لذت معقول و درازمدت و پایدار و امری ذومراتب است؛ همچنان که هدف غایی ریاست در مدینه، تسهیل راه‌های تحصیل سعادت برای اهل آن است (فارابی، ۱۳۷۱: ۴۸).

• سعادت آخرین پاسخ به پرسش دربارهٔ چرایی جست‌وجوها و درخواست‌های بی‌شمار انسان است و نهایی‌ترین غایت به شمار می‌آید. «سعادت واسطهٔ درخواست چیز دیگری نیست. بعد از کسب کردن هم همراهش به چیز دیگر نیاز نداریم. هر چیزی که چنین باشد، بیش از هر چیز دیگری شایستهٔ آن است که تنهایی کافی باشد» (فارابی، ۱۴۱۳: ۲۲۲).

• سعادت چیزی است که هرگاه حاصل شود، دیگر بعد از آن غایتی نیست که درخواست شود. پس سعادت برای خود برگزیده می‌شود و هرگز برای چیز دیگری درخواست نمی‌شود؛ در نتیجه، سعادت سزوارترین، برترین، کامل‌ترین چیزهاست (فارابی، ۱۴۱۳: ۲۲۸).

غایتی است که هر انسانی در جهت فراچنگ‌آوردن آن بدان تشویق و برانگیخته می‌شود» (همو، ۱۹۹۲: ۲۲۸-۲۲۹).

از این رو، می‌توان به مبانی معنادرمانی در ایدهٔ سعادت در اندیشهٔ فارابی اشاره کرد:

• سعادت یگانه معنا و هدفی است که همهٔ انسان‌ها با کسب و کشف آن برای زندگی مشقت‌بار خود معنایی می‌یابند.

• سعادت، غایت و کمالی است که اسباب انگیزشی را در انسان فراهم می‌کند. حیثیت برانگیزندگی آن به جهت واجد بودن و اشتغال خیر است. پس آن کمال و غایت به‌ناچار مؤثر است. پس سعادت از میان خیرات، عظیم‌ترین آنها، مؤثرترین و کامل‌ترین غایتی است که انسان به شغف فراوان در صدد فراچنگ‌آوردن آن است (فارابی، ۱۹۹۹: ۴).

• اگر در اندیشهٔ فارابی سعادت را انگیزهٔ زندگی محسوب کنیم که با آن زندگی معنا خواهد گرفت، ایدهٔ سعادت‌گرایی روشی معنادرمانی است که با کسب آن، انسان در تمامی ابعاد در کامل‌ترین وضعیت قرار می‌گیرد که نشانهٔ آن آرامش در زندگی و موجب تعاون و همکاری در اجتماع، عمل به وظایف سیاسی و اخلاقی و کسب کمال

جدول ۳: یافته‌های پژوهش (نگارنده: براز)



در اندیشه فارابی، راه درمان جامعه از طریق کسب سعادت، پیاده کردن علم سیاست و آموزش همگانی علم سیاست به افراد مدینه است. سیاست تنها راهی است که با آن می‌توان افراد مدینه را به آگاهی و رهایی از وضعیت کنونی فراخواند. پس اندیشه سیاسی فارابی بیان فلسفه‌ای از زندگی است که سنگ بنای معنای زندگی را سعادت می‌داند؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که شیوه درمان فارابی برای سامان اجتماعی افراد مدینه، همان سعادت است. پس سعادت همان اصل و شیوه معنادرمانی فارابی است که در اندیشه سیاسی او بیشتر نمود دارد.

ارزشمند، یعنی تشکیل اجتماع، کسب تجربه، ارزش والا یا همگانی کردن علم سیاست مدنی، رسیدن به معنی از طریق رنج کشیدن با کسب فضایل برای درمان جامعه بحران زده و ایجاد ارزش وجودشناسی و معنادرمانی یعنی همان سعادت. او در مقام یک فیلسوف سیاسی، مانند پزشکی روان‌شناس با بیان اینکه زندگی هدف و غایتی به نام سعادت دارد و رسیدن به سعادت، اصیل‌ترین و ناب‌ترین معنای زندگی انسان است، به خلق معنایی برای زندگی پرداخت که بیانگر شیوه معنادرمانی در زندگی است.

منابع

*قرآن الکریم

- اکبری، حافظ (۱۳۹۰). *مقایسه آرای فارابی و علامه طباطبایی در مورد مدینه فاضله*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- اسپرینگر، توماس (۱۳۶۵). *فهم نظریه‌های سیاسی*. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: سلیمی.
- برانن، ناتانیل (۱۳۸۴). *عزت نفس*. ترجمه مهین قراچه. انتشارات نخستین.
- برزگر، ابراهیم و عباس تبار فیروزجاه، حبیب‌الله (۱۳۸۵). «اندیشه سیاسی فارابی و روش جستاری اسپرینگر». *فصلنامه حقوق عمومی*، ۴۹-۳۲.
- حسینی بافرانی، طلعت (۱۳۸۹). «ماهیت انسان و نیازهای متعالی او از دیدگاه ویکتور فرانکل».
- روان‌شناسی دین*، سال سوم، ۴، ۳۲-۵.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴). *فلسفه مدنی فارابی*. تهران: چاپ زر.
- الفارابی، ابونصر (۱۴۰۵). *فصوص الحکم*. تحقیق شیخ محمدحسن آل یاسین، قم: بیدار.

نتیجه‌گیری

هر عصری مشکلات و نابسامانی‌های خاص خود را دارد و لذا نیازهای درمانی (فلسفی، سیاسی، روان‌شناسی و...) آن دوره، درمانی متناسب با شرایط خاص خود را می‌طلبد. فارابی، فیلسوف و اندیشمندی سیاسی است که در روزگاری می‌زیست که جامعه دچار نابسامانی‌های سیاسی و بحران‌های اجتماعی دوران خلافت شده بود و به دنبال راهی برای برون‌رفت از این وضعیت نابسامان افتاد و راه چاره را در علم مدنی یا همان سیاست می‌دانست که به وسیله آن می‌توانست سعادت و آرامش را به جامعه‌اش ببخشد و سعادت جز از طریق سیاست و تشکیل اجتماع قابل کسب نبود. این شیوه تفکر فارابی را می‌توان نوعی شیوه درمان فرض کرد؛ چراکه او معتقد بود با شیوه‌های تعلیم سیاست، آموزش فضایل و آموزه‌های اخلاقی، پذیرش مسئولیت و یادگیری علم مدنی، انسان به معنایی به نام سعادت دست خواهد یافت و این همان نمود عمل به سه اصل معنادرمانی در اندیشه ویکتور فرانکل در دست‌یابی به معناست که شامل این موارد می‌شود: انجام کار

فرانکل، ویکتور (۱۳۷۱ب). *انسان در جست‌وجوی معنی*، معنی‌درمانی چیست. ترجمهٔ دکتر نهضت فرنودی، مهین میلانی. انتشارات درسا، چاپ یازدهم.

فرانکل، ویکتور (۱۳۷۲). *پزشک روح*. ترجمهٔ فرخ سیف بهزاد. انتشارات درسا، چاپ دوم.

فرانکل، ویکتور (۱۳۷۵). *خدا در ناخودآگاه*. ترجمه و توضیحات دکتر ابراهیم یزدی. انتشارات مؤسسهٔ خدمات فرهنگی رسا.

فرانکل، ویکتور (۱۳۸۶). *انسان در جست‌وجوی معنای غایی*. ترجمه احمد صبوری و عباس شمیم، تهران: صدا، قصیده.

فروم، اریک (۱۳۹۳). *هنر عشق‌ورزی‌دان*. ترجمهٔ شاپور پشابادی، کتاب الکترونیک، بی‌جا.

کاوندی، سحر (۱۳۹۰). «مبانی اندیشه‌های تربیتی فارابی». *معرفت اخلاقی*، سال سوم، ۹، ۲۱-۱۲.

شولتز، دوآن (۱۳۸۶). *روانشناسی کمال (الگوی شخصیت کامل)*. ترجمهٔ گیتی خوشدل. نشر پیکان، چاپ چهارم.

محمد پوریزدی، احمدرضا (۱۳۸۵). *ویکتور امیل فرانکل، بنیان‌گذار معنادرمان*. نشر دانژه.

ناظرزاده کرمانی، فرناز (۱۳۷۶). *اصول و مبادی فلسفهٔ سیاسی فارابی؛ شرح نظریهٔ مدینهٔ فاضله با تطبیق بر آرای افلاطون و ارسطو*. انتشارات دانشگاه الزهرا(س).

الفارابی، ابونصر (۱۹۹۲). *تحصیل السعاده یا اعمال الفللسفیه*. جزء اول با تحقیق مقدمه و تعلیق جعفر آل یاسین. بیروت: دارالمناهل.

الفارابی، ابونصر (۱۹۵۹). *اهل المدینه الفاضله*. الدكتور البیر نصری نادر. بیروت: الکاثلولوجیه.

الفارابی، ابونصر (۱۹۹۱). *آراء اهل المدینه الفاضله*. تحقیق البید نصری نادر. بیروت: دارالمشرق.

الفارابی، ابونصر (۱۹۹۵). *تحصیل السعاده*. تصحیح علی بومحلم. بیروت: دار مکتبه الهلال.

الفارابی، ابونصر (۱۹۹۳). *فصول متزعه*. تحقیق فوزی متری نجار. بیروت: دارالمشرق.

الفارابی، ابونصر (۱۴۱۳). *تحصیل السعادی فی الاعمال الفللسفیه*. تحقیق جعفر آل یاسین، بیروت: دار المتأهل.

الفارابی، ابونصر (۱۳۴۶ق). *السیاسات المدنیه*. حیدرآباد دکن: دائره المعارف الاسلامی.

الفارابی، ابونصر (۱۳۴۵ق). *رساله فی اثبات المفارقات*. حیدرآباد هند: دائره المعارف العثمانیه.

الفارابی، ابونصر (۱۳۷۱). *سیاست مدنیه*. ترجمهٔ سیدجعفر سجادی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

الفارابی، ابونصر (۱۳۷۹). *سیاست مدنیه*. ترجمه و تحشیهٔ سیدجعفر سجادی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.

فرانکل، ویکتور (۱۳۶۷). *انسان در جست‌وجوی معنا*. ترجمهٔ اکبر معارفی. انتشارات دانشگاه تهران.

فرانکل، ویکتور (۱۳۷۱الف). *فریاد ناشنیده برای معنی*. ترجمهٔ علی علوی‌نیا، مصطفی تبریزی. نشر

یادآوران،

۱) توماس اسپرینگز (۱۹۱۷-۲۰۰۶) دانشمند سیاسی آمریکایی، متولد لبنان، kY بود. وی چهره ای در آموزش عالی آمریکا بود و از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۱ در مقام رئیس دانشکدهٔ سنتز در دانویل کنتاکی خدمت کرد.